

تاریخ شفاهی فوتبال ایران (۱)

همیشه رهبر

گفتگو با حسن حبیبی

به کوشش: حبیب اله اسماعیلی

www.ketab.ir



کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
NOC I.R. IRAN

تهران - ۱۴۰۰

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک

موضوع
شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره - رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

حبیبی، حسن، ۱۳۱۸-، مصاحبه‌شونده

همیشه رهبر: گفتگو با حسن حبیبی / به کوشش حبیب‌اله اسماعیلی، با همکاری
شادی معرفتی، محمدحسین ایوبیان، سیدمهدی حسینی تقی‌آباد، زهره آجرلو.
تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۰.

۱۱۵ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

۹۷۸-۶۲۲-۷۷۵۴-۱۶-۲

حبیبی، حسن، ۱۳۱۸- -- مصاحبه‌ها. فوتبال‌یست‌ها -- ایران -- مصاحبه‌ها
اسماعیلی، حبیب‌الله، ۱۳۴۴-، مصاحبه‌گر. معرفتی، شادی، ۱۳۵۹-،
مصاحبه‌گر. ایوبیان، محمدحسین. حسینی تقی‌آباد، سیدمهدی.

۷۹۶/۳۳۴۰۹۲ - GV ۹۴۲/۷

۸۵۴۷۳۳۶

همیشه رهبر

گفتگو با حسن حبیبی

تاریخ شفاهی فوتبال ایران (۱)

به کوشش:

حبیب‌اله اسماعیلی

با همکاری:

شادی معرفتی، محمدحسین ایوبیان

سیدمهدی حسینی تقی‌آباد، زهره آجرلو

ناشر: نگارستان اندیشه

نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۰

نمونه‌خوانی و نمایه‌سازی: وحید دریاییگی

طراح جلد: سعید صحابی

چاپ و صحافی: نصر

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

حقوق نشر، برای کمیته ملی المپیک محفوظ است.

نقل بخش‌هایی از متن با ذکر منبع مجاز است.

نشر و پخش: ۲۱۶۶۴۳۵۴۱۶



کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
NOC I.R. IRAN

فهرست مطالب

۷	 سخن ناشر
۹	 مقدمه
۱۵	 جلسه اول: سه شنبه ۷ آبان ۱۳۹۸
۴۱	 جلسه دوم: یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۸
۶۳	 جلسه سوم: یکشنبه ۸ دی ماه ۱۳۹۸
۸۷	 جلسه چهارم: یکشنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۹۸
۱۰۷	 آلبوم تصاویر
۱۱۷	 نمایه

سخن ناشر

برنامه‌ریزی برای آینده، بدون شناخت وضعیت و موقعیت کنونی و تجربیات گذشته به خوبی محقق نخواهد شد. به‌رغم دیرپایی ورزش در کشور و پیشینه درخشان آن، متأسفانه سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب و شایسته‌ای برای شناخت سوابق تاریخی ورزش ایران و معرفی پیشکسوتان و قهرمانان و پهلوانان آن به نسل‌های کنونی و آیندگان انجام نشده است. از این رو کمیته ملی المپیک در سال‌های اخیر مسئله شناسایی، گردآوری، حفاظت و صیانت از پیشینه و میراث مستند ورزش کشور و به‌تبع آن المپیک و پارالمپیک را جزو برنامه‌های خود قرار داد و با همفکری و همراهی کمیته ملی پارالمپیک و وزارت ورزش و جوانان به تحقق این خواسته، جامه عمل پوشاند که در دو قالب تأسیس موزه ورزش ایران و راه‌اندازی پروژه تاریخ شفاهی ورزش ایران نمود یافت.

در گام نخست کوشش شد با گردآوری آثار مربوط به ورزش کشور و پیشکسوتان و پهلوانان و قهرمانان آن و استفاده از عناصر و دستمایه‌های هنری و فنی، موزه‌ای در شأن و طراز ورزش جمهوری اسلامی ایران پایه‌گذاری شود تا از یک سو بتواند به شیوه‌ای هدفمند دریچه‌ای از معرفت و شناخت را به روی اقشار مختلف مردم به‌ویژه جوانان بگشاید و آن‌ها را ضمن آشنایی با هدف و مأموریت جنبش المپیک و پارالمپیک و اهمیت آن، با گوشه‌هایی از موارث ورزشی خود و گذشته پرفراز و نشیب آن آشنا سازد و از سوی دیگر به همه کوشندگان و پیشکسوتان و پهلوانان و قهرمانان و مدیران و کارشناسان این حوزه ادای احترام کند.

خوشبختانه کمیته بین‌المللی المپیک نیز آغاز پروژه شفاهی ورزش ایران را به دلیل اهمیت و نقش روشن‌گرانه آن، با دیده تحسین نگریست و به عنوان الگویی موفق از آن حمایت کرد. از سوی دیگر از این پروژه به عنوان گامی اساسی در تقویت روحیه ورزشکاری و ورزش دوستی و مستندسازی فعالیت‌ها و رخدادهای ورزشی از زبان کنشگران اصلی و براساس دیده‌ها و شنیده‌ها و خاطره‌های آنان نیز یاد می‌شود.

اجرای طرح حاضر یکی از گام‌های طرح کلی تدوین تاریخ شفاهی ورزش کشور محسوب می‌شود. کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کارفرما و متولی این امر از مجری طرح و همکاران ایشان، از اعضای شورای سیاست‌گذاری و به‌ویژه از پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی که بستрадاری و اجرایی طرح را فراهم کردند تشکر و قدردانی می‌کند. امید آنکه نتایج و دستاوردهای آن، ترقی و تعالی جایگاه ورزش کشور و شکوفایی استعدادهای ناب این سرزمین را به ارمغان آورد.

کتاب پیش رو، نخستین اثر از مجموعه تاریخ شفاهی فوتبال ایران است که به گفتگو با حسن حبیبی، بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال ایران اختصاص یافته است. از ایشان و نیز جناب آقای دکتر حبیب‌اله اسماعیلی، مجری طرح و همکاران ایشان، سپاسگزاریم.

کمیته ملی المپیک ایران

مقدمه

خاطره‌نگاری، مونولوگ و تاریخ شفاهی برآمده از دیالوگ است. گفت‌وگو بین پژوهشگر، راوی و رخداد به خلق تاریخ شفاهی می‌انجامد. تفاوت تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری را در گفت‌وگوی مورخانه بین راوی و پژوهشگر باید جست. برای مبنا، محقق تاریخ شفاهی شنونده منفعل در برابر راوی نیست و با پرسش‌های منظم و منسجم کوشش می‌کند بر آگاهی تاریخی درباره یک فرد یا نهاد یا رخداد بیافزاید. به همین دلیل محقق تاریخ شفاهی پیش از ورود به پژوهش هم درباره موضوع پژوهش، هم درباره راوی تحقیق می‌کند و پرسش‌هایش به واقع برآمده از پژوهش پیشینی درباره موضوع است.

تاریخ شفاهی آخرین و بزرگترین کشف بشر در عرصه معرفت تاریخی است. تا پیش از این، عمدتاً آدمی برای فهم و تفسیر پیشینه جوامع بشری یا به برداشت مورخانه از رخدادها و روایات ایشان از شاهدان رخدادهای تاریخی یا اسناد و گزارش‌های اداری و اجتماعی که با هدفی غیرتاریخی تولید شده بودند، دسترسی داشت. اما از نیمه دوم قرن بیستم، معرفت تاریخی افقی نوین برای فهم و تفسیر رخدادهای تاریخی را تجربه کرد که تا پیش از آن مغفول بود، تاریخ شفاهی!

به دیگر سخن، در کنار دو منبع پیشین، سومین منبع معرفتی تاریخی به کمک بشر آمد تا زوایای پیشینه خود را بیش از پیش دریابد. همسو با این افق معرفتی نوین، پرتوافکنی به ابعادی فراتر از عرصه قدرت و سیاست نیز در مورد توجه قرار گرفت. یعنی اگر تا دهه‌های نزدیک به روزگار ما وجه غالب معرفت

تاریخی معطوف به رخداد‌های بزرگ سیاسی، مانند تغییر حکومت‌ها، انقلاب‌ها و جنگ‌ها بود، اما کشف تاریخ شفاهی موجب شد بر عرصه‌های کمتر دیده شده حیات جمعی بشری توجه شود. در یک تعریف عام از تاریخ شفاهی، شاید بتوان تاریخ شفاهی را «گزارش تجربه‌ها و احساسات مردمی که در تاریخ نام و نشانی نداشته و ندارند» تعریف کرد. براین مبنا، تاریخ شفاهی فوتبال که با تکیه بر اصول و روش‌های پذیرفته شده رشته تاریخ پرتوافکنی می‌شود، گزارش همه کسانی است که اگر به سراغشان نرویم، نام و نشان تاریخی از آنها باقی نخواهد ماند.

در تاریخ شفاهی فوتبال نیز همانند دیگر عرصه‌های زندگی اجتماع، راویان در پرتو دانش و پرسش‌های مورخانه مصاحبه کنندگان، روایتی دقیق‌تر از رویدادها، دیدگاه‌های خود و دیدگاه‌های مختلف را ارائه می‌دهند و بر غنای دانش تاریخی یک سرزمین و نهایتاً جامعه جهانی می‌افزایند. هنگامی تاریخ شفاهی فوتبال، تصویری دقیق‌تر و دقیق‌تر از گذشته در اختیار ما قرار می‌دهد که روایات شفاهی گنشگران فوتبال با کمک اطلاعات مندرج در پرونده‌های عمومی، اطلاعات آماری، عکس‌ها، نقشه‌ها، نامه‌ها، خاطرات و سایر مطالب تاریخی تقویت شود. تاریخ شفاهی فوتبال ایران راویان تاریخی را قادر می‌سازد تا خاطرات خود را با کلمات خود، با صدا و تصویر خود، از طریق درک خود از آنچه اتفاق افتاده است، امروز و فردا برای نسل‌های بعد به اشتراک بگذارند. توجه دقیق به حفظ و ضبط صدا و تصویر راویان فوتبال تاریخ شفاهی، همه ما را قادر می‌سازد برای آیندگان میراثی درخور به جای بگذاریم. بدان سبب که نسل‌های امروز و فردا ناگزیر بر اساس تجارب خود، ما را قضاوت خواهند کرد و تاریخ شفاهی این امکان را فراهم می‌کند که آیندگان واقع بینانه‌تر درباره گذشتگان بیاندیشند.

متنی که در ادامه شاهد خواهید بود، حاصل چهار جلسه گفت‌وگو با حسن حبیبی بازیکن بنام فوتبال کشورمان است.

حسن حبیبی سال ۱۳۱۸ به دنیا آمده است. پدرش رئیس دایره استخدامات وزارت بهداری بود و تحصیلاتش را تا فوق لیسانس الهیات و معقول و منقول ادامه داده بود. حبیبی توضیح داد که: «یادم هست که در کرمان زندگی مرفهی هم داشتیم. یک باغ بزرگ داشتیم که وسطش آپارتمان مان بود. من فکر می‌کنم به خاطر شغل پدرم، چون در وزارت بهداری بود و ترفیع باید می‌گرفت از آنجا آمدند تهران.» حبیبی پنج برادر و چهار خواهر داشته است: «بزرگتر از من حسین است، دکتر [پزشک] هستند و الان در آمریکا ساکنند. بعدی خود من هستم، بعد منوچهر هست که در شیراز است، بعد گودرز، و آخری هم سیروس که آمریکا هستند.» و ادامه داد که: «منوچهر و گودرز فوتبالیست بودند، سیروس هم بازی می‌کرد. منتهی آن موقع در تاج، البته نه خود تاج، تیم جوان‌های تاج بود و ایشان هم بچه بود، کوچک‌تر از همه ما. گودرز هم بعد منوچهر است و منوچهر بعد از من و من هم بعد از حسین». او به بازی‌های دوره کودکی اش هم اشاره کرد و گفت: «بازی‌های دوران بچگی، می‌خک و آن موقع یک توپ ماهوتی که گیرمان می‌آمد با آن بازی می‌کردیم».

حبیبی گفت که اول در سلسبیل، چهارراه گلکار زندگی می‌کردند و ادامه داد: «بعد که چهارصد دستگاه را ساختند و پدرم جزء کارمندان دولت بود که خانه دادند به ایشان، که ماه به ماه قسطش را می‌گرفتند و رفتیم آنجا. موقعی هم که سلسبیل بودیم، آنجا فوتبال رونق آنچنانی نداشت. آن موقع والیبال بیشتر رونق داشت. آنجا بیشتر والیبال بازی می‌کردیم در مدرسه جلوه و کاخ که در میدان کاخ بود، من دبستان کاخ می‌رفتم با برادر بزرگم. والیبال بازی می‌کردیم و با مدرسه

جلوه مسابقه می دادیم و از همان موقع هم در محله طنابی می بستیم و والیبال مان به راه بود.»

در مورد این که مشهور است آقای حبیبی از همان اول تیم داری می کرد، گفت: «این در شخصیت افراد هست. هر جا که می رفتم، یک گروهی داشتم. حالا اگر دعوا بود، صاحب گروه بودیم، اگر والیبال بود، همین طور یا فوتبال بود. ذاتی بود، طوری رفتار می کردم که بچه هایی که با ما بودن تابع ما بودند.»

در مورد هم بازی هایش و زمین چهارصد دستگاه نیز توضیح داد که: «چهارصد دستگاه یک زمین خاکی داشت، قناس بود، از همان زمین خاکی یکهو پنج شش نفر آمدند تیم ملی... من، فریبرز اسماعیلی، منوچهر خودمان بود، اصغر شرفی، خود گودرز [حبیبی] بود، جعفر کاشانی هم از چهارصد دستگاه بود، خدا رحمتش کند. همان زمین فتاحی که شبیه نقشه ایران بود، پنج شش بازیکن برای تیم ملی داد.»

در مورد مسابقات معتبر آموزشی که نقش باب و اصلی را در فوتبال باشگاهی و ملی داشت افزود که: «زمانی که ما بازی می کردیم مسابقات آموزشی نبود، من از زمانی که آمدم چهارصد دستگاه و مدرسه ابوریحان که رفتم، از آنجا مسابقات آموزشی شروع شد که ورزشگاه شماره سه، منطقه ای بود که مسابقات شروع می شد». حبیبی از اهمیت چهارصد دستگاه و چرایی اوج گرفتن فوتبال هم چنین گفت: «به دلیل اینکه خانه هایی که دادند به کارمندان دولت، از دو اولاد نباید کمتر می داشتند که خانه به ایشان بدهند. این بود که بچه زیاد بود آنجا و سرگرمی هم همان زمین فوتبال بود. ما تیمی که داشتیم آنجا، خودمان هم مسابقات داخلی داشتیم. تابستان و زمستان! مسلما تابستان بیشتر بود. دیوار انتهایی خانه ما کنار زمین بود و توپ ها می افتاد آنجا و کنارش

هم خانه آقای جواد قراب بود و می افتاد آنجا و گاهی کار به جایی می کشید که توپ [را] سوراخ می کردند که دیگر نیفتد توپ آنجا. کنار منزل ما جواد قراب بود. هادی نراقی پایین تر بود. داود میرطوسی، جعفرکاشانی، نصی [نصرالله] عبداللهی، همسایه زیاد داشتیم. هم بازی هم بودیم.»

حبیبی از شاهین به تاج رفت. خودش در این مورد می گوید: «اختلافمان افتاد در تیم شاهین، و من قسم خوردم که دیگر [آنجا] بازی نمی کنم. همان موقع تیمسار خسروانی رئیس باشگاه تاج بود، بلافاصله شبانه بود که آمدند دنبال من و خدایامرز آقای اسداللهی هم اولین نفری بود که آمد: فکر می کنم کلاس سوم متوسطه بودم. هنوز دیپلم نگرفته بودم. شانزده، هفده سال.»

در مورد مسابقات شاهین هم گفت: «من در کولاک شاهین بازی می کردم. یک مسابقه تیم دینامو تفلیس با تیم شاهین داشت، آقای عرفان در تیم شاهین بازی می کرد، ایرج عرفان. ایشان مثل این که قهر کرده بود، یا نمی دانم چی بود، یا دکتر اکرامی بیرون گذاشته بود. دیگر این را من نمی دانم. من را دکتر اکرامی آمدند از داخل مدرسه بوعلی سینا برداشت و برد منزل خودشان و ناهار را آنجا خوردیم و بعد برد در امجدیه یک جا استراحت کردیم و بعد من را از تیم کولاک شاهین گذاشتند، هافبک تیم شاهین، در مقابل تیم دینامو تفلیس. آقای بهزادی خدایامرز، شیرزادگان، امیر عراقی، برومند، امیر آقا حسینی دروازه بان بود. آقای شکیب گوشه راست بود. همه آنها تیم ملی بودند. آقای امیر عراقی کاپیتان خیلی خوبی هم بود در زمین.»

ادامه سخن را در صفحات پیش رو پیگیری کنید. از افتخارات باشگاهی و ملی حبیبی، از دوره مربی گری و روزگار خدمت در شهربانی و سپس انتقال به تربیت بدنی و زندگی خصوصی و اجتماعی حسن حبیبی.

مهمترین مساله در اجرای این گفت‌وگوها، پاندمی کرونا بود که همراه گروه محققین و تصویربرداران قرار گرفت، که اگر حسن برخورد و یاری گودرز حبیبی نبود کار به سرانجام نمی‌رسید. جای آن است که یاد کنیم از همه ورزشکاران عزیزی که به ما افتخار مصاحبه دادند، و وقت خود را با روی باز در اختیار ما قرار دادند: آقایان غفور جهانی، حسن حبیبی، گودرز حبیبی، مهدی خبیری، حسن روشن، اصغر شرفی، هادی طاوسی، فرامرز ظلی، نصرالله عبداللهی، غلامحسین فرزانی، ابراهیم قاسمپور، جواد قراب، حسین کلانی، نادر لطیفی، داریوش مصطفوی، مهدی مناجاتی، حشمت مهاجرانی و غلامحسین نوریان. و از همه کسانی که ما را در به سرانجام رساندن این پژوهش یاری رساندند: دکتر سید رضا صالحی امیری رئیس محترم کمیته ملی المپیک، دکتر رضا قره‌خانلو که زحمت داوری و نظارت طرح را بر عهده داشتند، سرکار خانم شهرزاد کردیچه مدیر بخش تاریخ شفاهی کمیته ملی المپیک و همکارانشان خانم‌ها مریم فریدار و سارا مهرین‌پور، همکاران پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، همکاران طرح خانم‌ها شادی معرفتی، زهرا آجرلو و معصومه رودباری و آقایان محمدحسین ایوبیان، سید مهدی حسینی تقی‌آباد، همکارانی که مدتی کوتاه افتخار همکاری‌شان را داشتیم، آقایان دکتر محمد غفوری و مهدی زارعی و خانم انیس سجادی، مدیر انتشارات نگارستان اندیشه دکتر صادق حیدری‌نیا، همکاران فنی آقایان علی میرزنجانی، مهدی شکیب مهر، سپهر صالحی، هیراد بهروزی و فرزند جعفریان و آقایان ابراهیم افشار و مهدی حدادپور، سپاس بیکران تقدیم همه ایشان است.

حبیب اله اسماعیلی